

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله: الگوی قرآنی ارتباط و تعامل بین والدین و فرزندان در خانواده متعالی

پژوهشگران: فرشته گرامی و الهام آریایی راد

پاییز ۱۴۰۳

مقدمه:

انسان ها از زمانی پا به زمین نهادند و متوجه شدند یک جا را برای زندگی برگزینند و برای خود سرپناهی فراهم آورند با توجه به وجود جنس مخالف خویش بر روی همین زمین و مکانی که زندگی می کردند متوجه شدند برای تامین نیازهای ضروری وجودی خویش و آرامش منحصر به فرد، محتاج تشکیل خانواده است. داشتن خانواده ای موفق و سراسر خوشبختی و نیک روزی، از بزرگترین امیدها و آرزوهای هر انسانی بوده و برای رسیدن به آن همواره در تفکر و اندیشه و تلاش و تکاپو بوده است. تا اینکه به این نتیجه رسید برای داشتن یک خانواده خوب و آرام و نیک بخت، شناخت الگوی خانواده خوب و متعالی از همه نظر و توجه به خصوصیات چنین خانواده ای بهترین و مهمترین راهکار است. خصوصا شناخت الگوی ارتباط میان اعضای خانواده از دیدگاه بزرگترین و ارجمند ترین کتاب آسمانی که سخن آفریدگار جهان و انسان است یعنی قرآن کریم، او را از توجه به سایر راه ها و دستورالعمل ها بی نیاز می سازد. عنوان این مقاله نیز تبیین "الگوی قرآنی ارتباط و تعامل بین والدین و فرزندان است." که با بیان الگو، نحوه ارتباط ایشان مورد توجه واقع می گردد.

چکیده:

در این مقاله، ابتدا به تبیین مساله ی الگوی قرآنی ارتباط و تعامل موثر بین والدین و فرزندان پرداخته شده است و سپس به بیان مؤلفه های قرآنی ارتباط سازنده از جمله گوش دادن، گفتگو و ابراز وجود، توجه شده است و برخی دستورالعمل های برقراری یک ارتباط موثر، مورد اشاره واقع گردیده است و پس از تبیین امور مهم در یک ارتباط سازنده، به بیان الگوهای قرآنی ارتباط و تعامل مفید در بین والدین و فرزندان در خانواده های متعالی مورد پذیرش خداوند سبحان پرداختیم که ایجاد یک ارتباط خوب در تعیین سرنوشت والدین و فرزندان بسیار اهمیت دارد، اهمیتی دنیوی و اخروی که مبادا گرفتار آتش سوزان دوزخ گردد به دلیل افراط یا تفریط در مسئولیت پذیری و مسئولیت شناسی.

واژگان کلیدی: الگو، ارتباط، والدین، خانواده، متعالی.

۱. مفهوم شناسی:

معرفی و شناخت مفاهیم و واژه های کلیدی هر مطلب و متن، از مهمترین ارکان درک مضمون آن متن است که در این قسمت به بیان این مفاهیم می پردازیم.

۱-۱. الگو: مدل، انگاره، شکل، نمونه، قالب^۱، طرح، منوال و نقش در نظر گرفته شده است.^۲ این واژه در معانی متعددی به کار رفته است. در تعریفی ساده از الگو می توان گفت؛ الگو یا مدل، نمایش

۱. شایان مهر، علی رضا؛ دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۷۹.

۲. جمعی از نویسندگان، فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، ص ۴۱۹.

نظری و ساده شده از جهان واقعی می باشد.³ مدل، طرح و نمونه‌ای است، که از آن الهام گرفته و پیروی می‌شود و یا نسخه‌ای از آن برداشته می‌شود.^{4,5} در این مقاله مراد از الگو، نمونه و نماد از گونه‌ای منحصر به فرد و خاص است.

۱-۲. ارتباط: به معنای ارسال و انتقال و دریافت پیام با حضور دو یا چند نفر است. هدف اصلی در برقراری ارتباط، انتقال پیام به صورت کلامی یا غیرکلامی است. برقراری ارتباط، مولفه اصلی و یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است. مهارت برقراری ارتباط موثر یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های سلامت روابط بین فردی به شمار می‌رود. از عوامل موثر در بهداشت روان انسان‌ها، توانایی برقراری ارتباط مناسب و موثر با دیگران است که در این مقاله به تبیین ارتباط سازنده بین والدین و فرزندان می‌پردازیم.

۱-۳. والدین: صیغه تثنیه از والد و والده، در حالت نصبی و جری به معنای پدر و مادر است.⁶ گستره معنای والدین نشان می‌دهد که والدین، تنها پدر و مادر طبیعی نیستند. در فرهنگ اسلام، به رهبر آسمانی، معلم و مربی و پدر همسر نیز پدر گفته می‌شود. در برخی احادیث، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام پدر امت به حساب آمده‌اند. «أنا و علی ابوا هذه الأمة»⁷ همچنان که حضرت ابراهیم، پدر عرب به حساب آمده است. «مَلَّةٌ اِبْرَاهِیمُ»^{8,9}

۱-۴. خانواده: اولین نهاد اجتماعی و کوچک‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه است و شامل پدر، مادر و فرزندان می‌شود. صرف نظر از ساختار خانواده، معمولاً هر خانواده از سه نسل تشکیل می‌شود که در کنار هم زندگی می‌کنند؛ نسل اول پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها، نسل دوم پدر و مادر و نسل سوم فرزندان را تشکیل می‌دهد. هر کدام از این نسل‌ها وظایفی را بر عهده دارند. خانواده با ازدواج یک مرد و زن تشکیل می‌شود که دارای اهدافی است و هدف اصلی آن در جوامع اسلامی بقای نسل و به دنیا آوردن فرزندان صالح است.¹⁰

۱-۵. متعالی: بلندشونده، رفیع‌المقام. اسم فاعل از تعالی، مأخوذ از علو است.¹¹ یعنی مقتدری که محال است کسی با آن مساوی باشد.¹² "عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ؛ دانای نهان و آشکار و بزرگ و بلندمرتبه است."¹³ در قرآن کریم، واژه متعال راجع به خداوند سبحان به عنوان تنها و بزرگترین شخص و الامقام به کار رفته است که خانواده متعالی، خانواده‌ای خداجو و خدادوست و خدایست است که بهترین و ارزشمندترین خانواده‌ها معرفی می‌گردد.

۲. مؤلفه‌های ارتباط و تعامل سازنده در قرآن کریم:

مؤلفه در فارسی مونث مؤلف به معنای تالیف‌کننده است. پس از فتح مکه بزرگان قوم را که در آن روز مسلمان شدند مؤلفه (یا مؤلفه قلوبهم) خواندند.¹⁴ جمع مؤلفه، مؤلفات به معنای اجزای تشکیل‌دهنده

۳. سورین، ورنر و تانکارد، جیمز؛ نظریه‌های ارتباطات، ص ۴۵.

۴. روشه، گی؛ کنش اجتماعی، هما زنجانی‌زاده، ص ۴۴.

۵. مقاله "الگو"، فاطمه عمو عبداللهی، پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام).

۶. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، واژه "والدین".

۷. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۹۵.

۸. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، گنجینه معارف، گسترده معنای والدین، چهارصد نکته از تفسیر نور، ص ۳۲۸.

۹. سوره حج: آیه ۷۸.

۱۰. ویکی فقه www.fa.wikifegh.ir خانواده.

۱۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، واژه "متعالی".

۱۲. ویکی فقه www.fa.wikifegh.ir متعالی.

۱۳. سوره رعد: آیه ۱.

۱۴. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، واژه "مؤلفه".

یک چیز است که بدون وجود این اجزاء، امکان وجود آن چیز میسر نیست. اجزاء تشکیل دهنده یک ارتباط مؤثر از دیدگاه قرآن کریم بسیار مورد توجه اندیشمندان و روانشناسان جهان قرار گرفته است که خداوند سبحان چه اموری را به عنوان ارکان یک ارتباط سازنده و اثربخش، معرفی می فرماید در اینجا به این موارد اشاره می کنیم.

۱-۲. گوش کردن:

اولین و مهمترین رکن یک ارتباط مفید، گوش کردن است. به این صورت که فرد، سخن مخاطب خویش را بشنود و به گونه ای باشد که گویا سراپا برای او و سخنانش، گوش است. صرف گوش بودن برای افراد باعث می شود آنها را خوب شناخت و درک کرد و به ویژگی های روحی و روانی و شخصیتی ایشان پی برد. پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم برای امت خویش گوش شنوا بودند که این ویژگی ایشان مورد تایید خداوند متعال بود که ایشان سراپا گوش هستند و این برای شما خوب است.

"... وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنُ قُلٍّ أَدْنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...؛ و می گویند: شخص زود باور و نسبت به سخن این و آن سراپا گوش است. بگو: او در جهت مصلحت شما سراپا گوش و زود باور خوبی است، به خدا ایمان دارد و فقط به مؤمنان اعتماد می ورزد و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند، رحمت است ..."¹⁵

۲-۲. گفتگو:

مکالمه، گفت و شنود، هم سخنی، حرف، مذاکره، بررسی، مناظره،¹⁶ سخن شنیدن و سخن گفتن را گفتگو نامند. یعنی افراد علاوه بر اینکه سخن یکدیگر را می شنوند و برای همدیگر سراپا گوش هستند، با ایشان سخن نیز می گویند و حرف و نظر شخصی و مورد پسند و قبول خویش را بر زبان جاری می سازند که رکن سخن گفتن، از منظر قرآن کریم، دارای ویژگی هایی است از جمله:

۱-۲-۲. معروف بودن سخن: معروف، به معنای آن چیزی است که نزد عقل و شرع و مردم، پسندیده است. سخنی که از نظر عقل و شرع، حُسنش شناخته شده و معلوم باشد، سخن معروف است و معروف سخن گفتن، سخنی است دلنشین و شایسته و پسندیده که قرآن کریم سفارش به چنین سخن گفتن با نزدیکان دارد؛ آنجا که می فرماید:

"وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ چون هنگام تقسیم کردن ارث، خویشاوندان و یتیمان و مستمندان حاضر شدند، چیزی از آن را به ایشان بدهید و با آنان سخنی شایسته و پسندیده گوید."¹⁷

۲-۲-۲. لین و نرم بودن سخن:

"قَوْلًا لَهُ قَوْلًا لِّئَلَّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ پس با گفتاری نرم به او بگویند، امید است که هوشیار شود یا بترسد."¹⁸

لینا: نرمی؛ راغب گوید: در اجسام به کار رود و در خلق و معانی دیگر به طور استعاره آید.¹⁹ «خَشِيتُ»، ترس برخاسته از معرفت و احساس عظمت در برابر دیگری است و شروع تربیت و ارشاد

¹⁵. سوره توبه: آیه ۶۱.

¹⁶. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی، واژه "گفتگو".

¹⁷. سوره نساء: آیه ۸.

¹⁸. سوره طه: آیه ۴۴.

¹⁹. تفسیر احسن الحديث، سید علی اکبر قرشی، سوره توبه، آیه ۶۱.

باید از طریق گفتگوی صمیمانه باشد لذا با سخن نرم و لطیف، می توان به سوی یادآوری یا ترس و تربیت، ارشاد و راهنمایی نمود. خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز می فرماید: «با نرمی و ملاطفت با مردم رفتار کن. فیما رحمة من الله انت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك»^{20،21}

هرگز از هدایت دیگران مأیوس نشوید. لَعَلَّه يَتَذَكَّرُ ... و وظیفه‌ی پیامبر به عنوان پدر امت، تذکر و ارشاد است. «يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَى»²²

۲-۲-۳. سدید و استوار بودن سخن:

کلمه «سدید» از ماده «سداد» است به معنای اصابت رأی و داشتن رشاد. بنابراین، «قول سدید» عبارت است از سخنی که هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد و یا اگر فایده‌ای دارد فایده‌اش چون سخن چینی و امثال آن غیرمشروع نباشد. پس بر مؤمن لازم است که به راستی آنچه می گوید مطمئن باشد و نیز گفتار خود را بیازماید که لغو یا مایه فساد نباشد.²³ قرآن کریم در این باره می فرماید:

"وَلْيَحْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ و کسانی که اگر فرزندان ضعیف پس از خود به جایی می گذارند، بر آنان بیم دارند پس باید بترسند و لازم است از خدا پروا کنند و سخنی درست و استوار گویند."²⁴

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾، نه «قولاً شدیداً». ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾، «سدید» یعنی صواب، مُحکم که سد از همین باب است. در نوع این موارد که سخن از امر به قول است مخصوص قول یعنی گفتن مراد نیست. قول، کنایه از مطلق کار است؛ اگر به ما گفتند با مردم خوب حرف بزنید، این سخن گفتن در مقابل کار کردن نیست یعنی با مردم خوب برخورد کنید خواه با فعل، خواه با قول، خواه با نوشتن، چیزی خواستید بنویسید خیلی مؤدبانه باشد، چیزی خواستید بگویید خیلی مؤدبانه باشد، عملی هم خواستید انجام بدهید، مؤدبانه باشد. نظیر همان اکل است که گفته شد: ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾؛ مالتان را به باطل نخورید منظور، خوردن در مقابل پوشیدن و نوشیدن که نیست [بلکه] منظور، مطلق تصرف است. اگر گفته شد فلان کس مال مردم را خورد، معنایش این نیست که به صورت نان در مال مردم، تصرف آکلانه کرد. اگر لباس غصبی هم در برکرد، فرش غصبی هم زیر پا گذاشت می گویند مال مردم را خورد. این خوردن، کنایه از مطلق تصرف است. گفتن، کنایه از مطلق برخورد است. در سوره مبارکه «بقره» بحث شد که ﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ نه یعنی با مردم خوب حرف بزنید و حرف خوب، چون قول کنایه از مطلق برخورد است یا اگر خواستید چیزی بنویسید، حرف کسی را رد کنید خب، خیلی عاقلانه و مؤدبانه باشد. خواستید درباره کسی کاری انجام بدهید، خیلی مؤدبانه باشد. خواستید با کسی سخنی بگویید خب، مؤدبانه باشد. این قول، کنایه از مطلق برخورد است، مثل اینکه آنجا اکل، کنایه از مطلق تصرف است: ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ﴾ هم مطلق تصرف است. این ﴿وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ یعنی کار محکم بکنید. آنجا که فرمود: ﴿وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ ضمن اینکه فعل را هم شامل می شود، ارتباط مستقیمش با قول است یعنی اگر در هنگام تقسیم ترکه، یتامی و مساکین حضور پیدا کردند با یک حرف خوبی اینها را راضی کنید. اگر هم مال ندادید، لا اقل اینها را با یک بیان خوبی راضی کنید. ولی در خصوص این مقام، سخن از فعل

20. سوره آل عمران: آیه ۱۵۹.

21. قرآنی، محسن، تفسیر نور، سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

22. <https://wiki.ahlolbait.com>

23. سید محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۲۳.

24. سوره نساء: آیه ۹.

است نه قول. فرمود: ﴿وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ یعنی کار محکم انجام بدهید یعنی خیلی نسبت به اموال یتیم دقیق باشید.²⁵

و خطاب به خاص مؤمنان نیز می فرماید:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ اي اهل ایمان! از خدا پروا کنید و سخن درست و استوار گوید."²⁶

قول شدید مشکل را حل نمی کند قول سدید مشکل را حل می کند اگر آن کار را کردید چند خیر خدا به شما می دهد بالآخره اگر نقصی در عمل شماست او ترمیم می کند گناهی کردید می بخشد و پاداش فراوانی هم برای مطیعین خدا و پیامبر مقرر کرده است بعد استدلالی هم می کند که می فرماید ما این کار را کردیم یعنی راه تکامل شما این است.²⁷

لذا تقوای الهی همراه با سخن استوار مورد امر خداوند متعال واقع شده است که تنها تقوا برای پذیرش ایمان، کافی نیست و سخن فرد مؤمن نیز باید محکم و بی خدشه باشد.

۲-۲-۴. سلام و بی آسیب بودن سخن:

واژه سلام، به معنی سلامتی، بی عیب بودن، بدون آسیب و صدمه بودن چیزی است. ریشه این واژه از ماده "سلم" است و بیشترین کاربرد ماده «سلم» در صحت و عافیت است؛ بر این اساس، "سلامتی" این است که انسان از هر نوع آفت و ناراحتی به دور باشد و سلام از صفات خدا، به این معناست که از عیب، نقص و فنا که بر مخلوقات عارض می شود مبرا است.²⁸ به بهشت نیز از آن جهت دارالسلام گفته اند که سلامت و عافیت در آن همیشگی است.²⁹

"قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ؛ گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم، سرد و بی آسیب باش!"³⁰

یکی از ویژگی های انسان های محبوب و با مهر و محبت در ارتباط گیری بسیار مؤثر و مثمر ثمر این است که سخنشان سلام است و سلامتی و بدون عیب و نقص.

"وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ و بندگان رحمان کسانی اند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه می روند و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می دهند سخنانی مسالمت آمیز می گویند."³¹

۲-۳. ابراز وجود:

هنگامی شخصی می خواهد با شخص دیگر ارتباط برقرار کند باید ابراز وجود کند یعنی وجود خود را به اطلاع شخص مقابل برساند و سخن خود را با وی مطرح سازد و اولین و مهمترین اقدام وی، هنگام مواجهه، سلام گفتن است.

25. جواد آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، سوره نساء، آیه ۹. <http://sokhanrani.iranseda.ir>

26. سوره احزاب: آیه ۷۰.

27. جواد آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، سوره احزاب، آیه ۷۰. <http://sokhanrani.iranseda.ir>

28. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۹۰.

29. کوثری، عباس؛ واژه سلام در قرآن کریم. پایگاه اطلاع رسانی راسخون: www.rasekhoon.net

30. سوره انبیاء: آیه ۶۹.

31. سوره فرقان: آیه ۶۳.

بدهد، مردم را رشد بدهد. این که می‌گویم حرف خودم نیست هان، حدیث داریم حضرت فرمود: هر کس برود مسجد، هشت تا چیزی گیرش می‌آید. هشت تا چیزی گیرش می‌آید؟ بله، یکی‌اش می‌گوید که «وَعَلَّمَ مُسْتَطْرَفًا»⁶⁸، این در حدیث است، «مُسْتَطْرَف» یعنی چه؟ حرف تازه. هر کس برود به مسجد چیزی گیرش می‌آید، حرف تازه گیرش می‌آید، یعنی چه؟ یعنی باید پیشنهاد مرتب مطالعه کند، پیشنهاد باید حتماً مطالعه کند، حرف تازه بزند.

این که به حدیث می‌گویند حدیث، یعنی حرف تازه، حادثه، می‌گویند فلان حادثه، یعنی خبر نو، حدیث یعنی حرف نو، هم حرف مفید، هم حرف نو، باید دائماً مطالعه کنیم. عمرمان تلف نشود. مسئول عمر هستیم. شب و روز از تو گرفت، تو هم از شب و روز یک چیزی بگیر، حدیث است. حدیث داریم: «إِنَّ مِنْ أَبْغَضِ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَعْبُدًا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ؛ بدترین آدم‌ها این است که خدا بگوید بگذارید عمرش را تلف کند. بدترین آدم‌ها این است که خدا می‌گوید و لَش کن، به حال خودش بگذارد.»⁶⁹⁻⁷⁰

۳. نمونه‌ها و الگوهای ارتباط و تعامل موثر بین والدین و فرزندان از دیدگاه قرآن کریم: (بیان ویژگی‌های خانواده متعالی)

۳-۱. ارتباط حضرت نوح با پسر:

" وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ؛ آن کشتی آنان را در میان موج‌هایی کوه‌آسا حرکت می‌داد و نوح فرزندش را که در کناری بود، بانگ زد که ای پسر! همراه ما سوار شو و با کافران مباش." ⁷¹

یکی از مهمترین دستور العمل‌های مؤثر ارتباط‌پسندیده بین والدین و فرزندان در قرآن کریم، محبت است. محبت یعنی ابراز و اظهار دوست داشتن و مهرورزی و به عبارت دیگر، تبادل عاطفی میان افراد است. محبت برای انسان، یک نیاز طبیعی است که مهمترین عامل سلامت روح و عدم آن موجب ناهنجاری‌های روانی است.⁷²

کمبود محبت، مشکلاتی را پدید می‌آورد که نه تنها برای انسان، زیان بخش است بلکه زمینه را برای آشفتگی‌های اجتماعی نیز فراهم می‌کند.⁷³ به عبارتی تأمین نیازهای عاطفی و روانی را می‌توان مهمترین عامل برای تداوم و بقای نظام خانواده دانست.⁷⁴

عواطف خانوادگی در اسلام هر چند اهمیت ویژه دارد اما ارزش مطلق ندارد جز در مسیر رضایت الهی و در جهت نیل به اهداف عالی انسانی.⁷⁵

حضرت نوح (ع) از دستورالعمل‌های الهی، بسیار نیک و بجا استفاده کرد زمانی که کشتی، آنها را در میان موج‌هایی چون کوه می‌برد و ناگهان نوح فرزندش را دید که در نقطه‌ای دور ایستاده بود فریاد زد: ای پسر! (ابراز محبت و شفقت پدرانه) بیا با ما سوار کشتی شو و همراه کافران نباش، چون مشارکت و همنشینی با آنها مشارکت در بلاء را به دنبال دارد.⁷⁶

68. تحف العقول، ص 235.

69. نهج البلاغه، خطبه‌ی 103.

70. <https://gharaati.ir>

71. سوره هود: آیه 42.

72. اخلاقی، نرجس؛ شاخصه‌های خانواده متعالی در سبک زندگی قرآنی، ص 161، نشریه مطالعات علوم قرآن (جامعه المصطفی العالمیه)، ش 3، 1397، ش.

73. شکوهی یکتا، محسن؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ 178.

74. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج 3، 92-74.

75. شریفی، احمد حسین؛ همیشه بهار، ص 369.

76. طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان، سوره هود، آیه 42.

والدین نسبت به فرزندان خویش احساس مسئولیت دارند و باید این امر خطیر را با شیوه ای مناسب و مؤثر به انجام رسانند که یکی از این شیوه ها، ابراز محبت و شفقت مخلصانه و بی عیب و نقص است. حضرت نوح(ع) نیز با بیانی پدرانه و محبت برانگیز، فرزند خویش را فرا می خواند که با او و آیین توحیدی وی، همراه گردد که این بیان معطوفانه، اثری عمیق و جانبخش در وجود فرزند القا می نماید و جذابیت دعوت را دوچندان می کند.

۲-۳. ارتباط حضرت شعیب با دختران:

«قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ؛ یکی از آن دو گفت: ای پدرم! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می کنی آن کسی است که نیرومند و امین باشد.»⁷⁷

«قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ گفت: می خواهم یکی از این دو دخترم را به نکاح تو در آورم بنابراینکه هشت سال اجیر من باشی و اگر ده سال را تمام کردی، اختیارش باتوست و نمی خواهم بر تو سخت گیرم و به خواست خدا مرا از شایستگان خواهی یافت.»⁷⁸

امام رضا علیه السلام فرمود: «حضرت شعیب از دخترش پرسید: چگونه امانتداری این جوان را فهمیدی که او را امین می خوانی؟ گفت: وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم، به من گفت: از پشت سر من، مرا راهنمایی کن». تا مبدا به قامت من چشم بدوزد.⁷⁹

اصول الگویی ارتباط در این آیات:

۱- دختران نیز در خانواده بر اساس منطق و حکمت، حق پیشنهاد دارند و فرقی با دیگران ندارند. «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ»

۲- روابط حسنه میان والدین و فرزندان و آزادی بیان در خانواده، يك ارزش است. «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ»

۳- همه ی اعضای خانه پیشنهاد بدهند؛ ولی تصمیم نهایی با سرپرست خانواده است. «اسْتَأْجِرْهُ»

۴- زنان عقیقه به دنبال آنند تا کمتر از منزل خارج شوند. «اسْتَأْجِرْهُ» (برای کارهای سخت خارج از منزل، از مرد استفاده شود).

۵- کار، عار نیست، اولیای خدا نیز کار می کرده اند. «اسْتَأْجَرْتُ»

۶- در گزینش ها، به بهترین ها توجه کنیم. «خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتُ»

۷- برای استخدام، دو عنصر توانایی (تخصّص) و امانتداری (تعهد)، لازم است. «الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»

۸- توانایی ها و امانتداری ها را باید در شرایط عادی و بدون توجه طرف، شناسایی و احراز کرد. «الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»⁸⁰

۹. توجه و دقت و مشاوره در پیشنهاد های ارائه شده از جانب فرزندان، چه دختر و چه پسر؛ شیوه اولیاء الهی بوده است و الگویی بسیار نیکوست برای سایر انسان ها در وزیر نمودن ایشان در سن جوانی برای مقام والای والدین.

77. سوره قصص: آیه ۲۶.

78. سوره قصص: آیه ۲۷.

79. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، ج ۷، ص ۴۰.

80. قرآنتی، محسن؛ تفسیر نور، سوره قصص.

۳-۳. ارتباط بین حضرت لقمان با پسر: (موعظه و پند فرزندان)

"وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛ و هنگامی که لقمان به پسرش در حالی که او را موعظه می کرد، گفت: پسرکم! به خدا شرک نورز، بی تردید شرک ستمی بزرگ است." 81

دعوت محبت برانگیز فرزندان به دینداری و اجتناب از اجبار ایشان از مهمترین وجوه الگویابی ارتباط است که اولاً سخن را با کلمه ملاطفه آمیز، آغاز نمودن و سپس بیان وعظ و نصیحت مهم و بزرگ و موثر در حیات و سرنوشت فرزندان، از اصول بسیار اساسی ارتباط بین والدین و فرزندان است.

خدای متعال بعد از معرفی لقمان و مقام علم و حکمت او به نخستین اندرز وی که در عین حال مهمترین توصیه والدین به فرزندان است؛ اشاره می کند. حکمت لقمان ایجاب می کند که قبل از هر چیز به سراغ اساسی ترین مساله عقیدتی برود و آن مساله توحید است، توحید در تمام زمینه ها و ابعاد. زیرا هر حرکت تخریبی و ضد الهی از شرک سرچشمه می گیرد، از دنیا پرستی، مقام پرستی، هوا پرستی و مانند آن که هر کدام شاخه ای از شرک محسوب می شود. همانگونه که اساس تمام حرکت های صحیح و سازنده، توحید است، تنها دل به خدا بستن و سر بر فرمان او نهادن و از غیر او بریدن و همه بتها را در آستان کبریاپی او در هم شکستن! قابل توجه اینکه لقمان حکیم، دلیل بر نفی شرک را این ذکر می کند که شرک ظلم عظیم است، آن هم با تعبیری که از چند جهت، تاکید در بر دارد و چه ظلمی از این بالاتر که هم در مورد خدا انجام گرفته که موجود بی ارزشی را همتای او قرار دهند و هم درباره خلق خدا که آنها را به گمراهی بکشانند و با اعمال جنایت بار خود آنها را مورد ستم قرار دهند و هم درباره خویشتن که از اوج عزت عبودیت پروردگار به قعر دره ذلت پرستش غیر او ساقط کنند. 82

جمع بندی و نتیجه گیری:

آنچه از این تحقیق نتیجه حاصل می شود این است که ارتباط و تعامل سازنده و موثر، بهترین راهکار داشتن یک خانواده خوب و متعالی از منظر قرآن کریم است. این کتاب آسمانی در این راستا به بیان مؤلفه ها و دستورالعمل های کلیدی بسیار مهمی اشاره نموده است که با سرلوحه قرار دادن هر یک از آنها در برقراری ارتباطات میان فردی، می توان به آنچه مورد رضای خلق و خالق است دست یافت و با اشاره این کلام مقدس به انواع ارتباطات و تعاملات متناسب و زندگی ساز در خانواده های متعالی، هر انسانی می تواند بهترین الگوها و سرمشق ها را در ارتباطات خانوادگی میان والدین و فرزندان خویش بیابد و از آنها درس گیرد. (ان شاءالله)

پیشنهادهات:

۱. افزایش تحقیقات قرآنی.

۲. در دسترس قرار دادن منابع کتابخانه ای معتبر به صورت دیجیتالی.

81. سوره لقمان: آیه ۱۳.

82. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص: ۳۹.

۳. مطالعه و تحقیق مفصل قرآن کریم در باب ارتباط و تعامل اعضا در خانواده متعالی انبیا و اولیا و صالحان.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم، قم، ۱۳۶۶.
۳. ابن بن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، خصال، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، قم، جامعه مدرسین، چ اول، ۱۳۶۲ ش.
۴. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش.
۵. اخلاقی، نرجس؛ شاخصه های خانواده متعالی در سبک زندگی قرآنی، ص ۱۶۱، نشریه مطالعات علوم قرآن (جامعه المصطفی العالمیه)، ش ۱۳۹۷.
۶. جمعی از نویسندگان، فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، بی تا.
۷. حرانی، حسن بن علی (ابن شعبه)؛ تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۲ ه.ش.
۸. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا. ۱۳۸۲ ه.ش.
۹. رضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، تهران، انتشارات پیام آزادی، چاپ هفتم، سال ۱۳۷۹ ش.
۱۰. روشه، گی؛ کنش اجتماعی، هما زنجانی زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۹.
۱۱. سورین، ورنر و تانکارد، جیمز؛ نظریه های ارتباطات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۲. شایان مهر، علی رضا؛ دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ج ۱، تهران، کیهان، ۱۳۷۷.
۱۳. شریفی، احمد حسین؛ همیشه بهار، چ اول، قم، نشر معارف، ۱۳۹۱ ش.
۱۴. شکوهی یکتا، محسن؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی، ۱۳۶۸ ش.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان، ج ۱۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ دوم، ۱۳۹۶ ق.
۱۶. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۳ ش.
۱۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۹. کاشانی، فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۱۰، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، سال ۱۳۴۴ ش.
۲۰. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، ج ۷، ج ۱۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۱۵ ق.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی؛ اخلاق در قرآن، ج ۳، چ اول، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۲۲. _____؛ نظریه حقوقی اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۰.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ۱۷، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶-۱۳۵۳.
۲۴. ویکی فقه www.fa.wikifeqh.ir خانواده.
۲۵. <https://wiki.ahlolbait.com>.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، سوره نساء، آیه ۹. <http://sokhanrani.iranseda.ir>.
۲۷. کوثری، عباس؛ واژه سلام در قرآن کریم. پایگاه اطلاع رسانی راسخون: www.rasekhoon.net

۲۸. سایت پنجره چهارم زندگی؛ امین یحیوی. <https://panjere4.ir>
۲۹. پایگاه اطلاع رسانی حوزه؛ قرآن در کلام رهبری، شرح آیات، مقام معظم رهبری. hawzah.net/fa/goharenab
۳۰. عمو عبداللهی، فاطمه؛ مقاله "الگو"، پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام).
۳۱. وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری در قرآن و سنت، فاطمه آذر مهر، ستاد قرآنی احسن الحدیث، <https://ahsanalhadis.com>
۳۲. سایت درس هایی از قرآن، قرائتی، محسن؛ <https://gharaati.ir>